

حیات علمی و فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی

(۱۳۲۹-۱۲۵۵ هـ.ق)

عصمت رضادوست^۱

اصغر منتظر القائم^۲

چکیده

محمد کاظم خراسانی، معروف به آخوند، زاده‌ی طوس در سال ۱۲۵۵ هـ.ق است. آخوند خدمات بسیاری برای جامعه‌ی فرهنگ و تمدن شیعه انجام داد. عظمت حوزه‌ی درس آخوند نه تنها در عالم تشیع بلکه در سرتاسر عالم اسلام گسترش یافته بود زیرا تعداد شاگردان بسیاری را تربیت کرد. گفته شده در عالم اسلام بعد از امام صادق (ع) مدرسی مانند آخوند پا به عرصه‌ی وجود ننهاده است. اندیشه تمدن ساز آخوند شامل نظام سازی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تولید علوم شیعی بود. وی اصول کشورداری را بر شش محور قرارداد شامل حکومت‌داری بر مبنای ارزش‌های اسلامی، گزینش کارگزاران و مشاوران سالم و کارآمد، برنامه‌ریزی برای توسعه و ترقی کشور، حفظ اقتصاد سیاسی و اقتصاد کشور، گسترش عدالت اجتماعی و رأفت و مردم‌داری می‌باشد. دیدگاه آخوند خراسانی در مقام مجتهدی عقل‌گرا با دیدگاه وی درباره‌ی ولایت فقیه در ارتباط است و ارتباط منطقی این دو با هم، اندیشه‌ی سیاسی او را از انسجام برخوردار می‌سازد. استدلال فقهی وی در بحث مشروعیت، در زمینه‌ی مشروعیت حکومت مشروطه فهم‌پذیر است. آخوند برای رفع ظلم از مظلوم، خصوصاً ملت ایران به مشروعیت روی آورد.

واژه‌های کلیدی: آخوند خراسانی، مشروعیت، فرهنگی، اندیشه‌ی سیاسی، مشروعیت.

E.rezadoust@yahoo.com

montazer5337@yahoo.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه اصفهان

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۲



مقدمه

آخوند خراسانی در زمینه‌های متعددی فعالیت داشته، از جمله زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که بیش‌ترین تأثیر را در زمینه سیاسی داشته است. و دیدگاه‌های مختلفی در زمینه‌های فقهی اصولی و قرآن داشته و به تأثیر از اوضاع اجتماعی زمان خویش اندیشه‌های گوناگونی را بیان کرده است، با تربیت شاگردان و تألیف کتب‌های متعدد خدمتی به جامعه تشیع و حوزه علمیه نجف ارائه نموده و تأثیر فراوانی در میان شیعیان و بر زمان خویش داشته است. او یکی از صاحب نظران و فقهای اندیشه ورز شیعه در عصر خویش بوده است. تحقیقات فراوانی درباره حیات سیاسی آخوند خراسانی انجام یافته است. اساساً به علت فضای سیاسی و دینی حاکم زمان بیشتر ذکر شده‌اند و به ندرت به تمامی حیات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن پرداخته شده است. در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود به طور مثال به مقاله بررسی انتقادی ادبیات و پیشینه تحقیق درباره اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، تألیف علیرضا جوادزاده، اطلاعات ارزشمندی را در باب اندیشه سیاسی داراست. مقاله «ولی فقیه مشروطه، آخوند خراسانی» تألیف علی احمدی‌خواه حاوی مطالب ارزشمندی از جمله مسئله «ولایت فقیه» از مسائل مهم تاریخ مشروطه است. هرچند که نگارنده از این ماخذ بهره‌ی وافیه برده است. اهمیت این پژوهش در این است، با توجه به نگرش‌های آخوند در زمان قاجار در زمینه حمایت از تولیدات داخلی کشور و نقش ایشان در جلوگیری از مداخلات بیگانگان در زمانیکه قاجار تنها به فکر منافع خویش بودند، برآنیم تا با مروری بر عقاید و نگرش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایشان، و از افکار نگرش آخوند خراسانی بهره گرفته و در شرایط حاضر جامعه «خرید کالای داخلی» از تجربیات و سفارش ایشان استفاده لازم را ببریم.

زیست نامه

مشهد در زمان قدیم طوس نام داشت که خود طوس به دو محله یکی طابران و دیگری نوقان بود. این شهر یعنی مشهد در زمان آخوند ۳۲ محله داشت، خیابان چهارباغ از مه‌ترین خیابان‌های این شهر بود.. محمدکاظم در سال ۱۲۵۵ هـ ق چشم به دیده جهان گشود. مصادف با سالی که ۲۰۰ تن از یهودیان را به علت هتک حرمت به دین مبین اسلام قتل عام کردند.



از مادر محمدکاظم اطلاعی در دست نیست، اما پدرش که نامش ملاحسین از اهل هرات بود، در مشهد می‌زیسته، مردی دانش دوست و گوشه گیر بوده است. آخوند در اول شخصی بیکار بود. در نوجوانی نه درسی می‌خواند نه کسبی داشت، بخاطر سرزنش پدرش تصمیم جدی برای تحصیل گرفت، بعد از مدت ها تحصیل در مشهد احساس کرد برای پیشرفت باید به بغداد سرزمین مهد و فرهنگ برود و در سال ۱۲۷۷ به آنجا سفر کرد.

آخوند روزی در مجلس شیخ مرتضی انصاری نشسته بود که در رابطه با یک مسئله اصولی برای به کرسی نشاندن شیخ مناظره کرد. این مناظره باعث شد که همکلاسی‌های آخوند از آن روز به بعد به آن لقب آخوند دادند. (کفائی، ۱۳۵۸، ۷).

۱-۲- فرزندان آخوند خراسانی

از آخوند یک دختر و پنج پسر به نام‌های مهدی، محمد، احمد، حسین و حسن باقی ماند که همگی نامدار و صاحب آوازه بودند ولی از آن میان پسر دوم و سوم او عظمت و شهرت بیشتری یافتند. دومین پسر آخوند حاج میرزا محمد کنایی خراسانی معروف به آقازاده در شب پانزدهم شعبان المعظم ۱۲۹۴ در نجف اشرف متولد شد. در تحصیلات علمی خود به سرعت ترقی کرد. و در دوران جوانی از فضیلتی مشهور نجف و از شاگردان طراز اول حوزه درس پدر خویش شمرده می‌شد. در حیات پدر از طرف علمای خراسانی برای تدریس و اداره حوزه مشهد دعوت شد او با موافقت پدر این دعوت را پذیرفت و در سال ۱۳۲۵ ه.ق از نجف به مشهد هجرت کرد و در رأس حوزه علمیه خراسان قرار گرفت و جز شخصیت‌های برجسته آن خط شناخته شد. سومین پسر آخوند حاج میرزا احمد کنایی خراسانی در ربیع الاول سال ۱۳۰۰ ه.ق ولادت یافت پس از فراغ از فراگیری سطوح در محضر علمی پدر خویش حضور یافت و مدت ۱۰ سال از آن خرمن بیکران خوشه چینی کرد با دقت نظری که داشت به یکی از چهره‌های شناخته شده محافل علمی نجف تبدیل شد. (دریا بیگی، ۱۳۸۶: ۵۷).



۲-۲- برخی از شاگردان بزرگ آخوند:

سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، حاج آقا حسین طباطبایی قمی، شیخ عبدالله گلپایگانی، شیخ علی قوچانی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا ابوالحسین مشکینی، شیخ ابوالقاسم قمی، شیخ محمد علی شاه آبادی، شیخ محمد رضا خلیفی تنکابنی، میرزا یوسف اردبیلی، سید یونس اردبیلی، میر سید عبدالمطلب بسطامی، شیخ صالح علامه مازندرانی، سید محمد صادق خاتون آبادی، سید محمد نجف آبادی، شیخ جعفر محلاتی، شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی، سلطان العلماء اراکی، آقا نجفی قوچانی، میرزا محمد فیض قمی، سید حسین بادکوبه ای، شیخ آقا بزرگ تهرانی، حاج میرزا احمد کفایی خراسانی، سید حسن مدرس، سید صدرالدین صدر، میرزا مهدی شیرازی.

۲) اندیشه‌های سیاسی

اصول کشورداری از نظر آخوند خراسانی در اندرزهای ده گانه جای گرفته، محتوای کلی را می‌توان در شش محور آورد:

- حکومت داری بر مبنای ارزش‌های اسلامی
- گزینش کارگزاران و مشاوران سالم و کارآمد و تلاش وسیع برای تربیت نیروی انسانی برای سمت‌های حکومتی.
- برنامه ریزی برای توسعه و ترقی کشور
- حفظ اقتصاد سیاسی و اقتصادی کشور و نفی هرگونه سلطه خارجی
- گسترش عدالت اجتماعی
- رأفت و مردم داری (شکوری، ۱۳۷۱: ۵۶).

۲-۱) آخوند خراسانی و مشروطیت و اندیشه‌های سیاسی

برای فهم اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، افزون بر مطالعه سنت فکری رایج زمانه وی، مطالعه وضعیت سیاسی و اجتماعی آن دوران نیز لازم است اگر چه بخش مهمی از زندگی آخوند خراسانی



در نجف سپری شد به لحاظ سیاسی و اجتماعی سرنوشت او با مشروطیت ر ایران ارتباط تنگاتنگ یافت به گونه ای که فهم افکار و اندیشه‌های سیاسی وی در گرو مطالعه حادثه مشروطیت است. (کسروی، ۱۳۳۰: ۱۵)

مشروطیت به عنوان نقطه عزیمت فکر و اندیشه سیاسی جدید در ایران بی تردید حاصل عوامل متعددی است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی زمینه‌های علمی و نظری تقسیم کرد. مقصود از زمینه‌های عملی، شرایط عینی خاص است که سبب پیدایش مشروطه به مشابه یک عمل سیاسی شد. یکی از این عوامل مهم، فراهم شدن زمینه‌های لازم برای حضور و نفوذ بیگانگان در ایران بود. (میر احمدی، ۱۳۹۰: ۲۹)

مشروعیت تصرف فقیهان در امور عمومی: آخوند خراسانی در حاشیه بر کتاب مکاسب استاد خود شیخ مرتضی انصاری مشروعیت تصرف فقیهان را در امور عمومی می‌پذیرد و می‌نویسد: لکن از این ادله می‌توان به دست آورد که فقیه قدر متیقن از میان کسانی که احتمال داده می‌شود، مباشرت یا ادن و نظر آن‌ها، معتبر در تصرفات باشد، همچنان که مومنین عادل در صورت فقدان فقیه، قدر متیقن از کسانی هستند که تصرفشان مشروعیت دارد (خراسانی، ۱۴۰۶: ۹۶).

۱-۱-۲) تعریف مشروطیت

آخوند خراسانی در موارد متعدد، مشروطیت را تعریف کرده است. تعریف وی از مشروطیت، هم در لوایح و نامه‌های وی وجود دارد و هم در رساله «ضرورت علاج عاجل امراض مملکه» تعریف عرضه شده در این آثار، با وجود عبارات تفاوت جوهره ای مشترک دارند. در این تعریف مشروطیت، وصفی است برای حکومت و سلطنت که او را از دیگر حکومت‌ها جدا می‌کند. به اعتقاد آخوند آنچه در مشروطیت باعث تمایز می‌شود، محدودیت قدرت است. به عنوان نمونه تعریف وی از مشروطیت در یکی از لوایح ایشان در اینجا یاد آور می‌شویم «مشروطیت هر مملکت، عبارت از محدود و مشروطه بودن ادارات سلطنتی و دوایر دولتی است که به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه، بر طبق مذاهب رسمی آن مملکت» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۹۴).



۲-۱-۲) استدلال فقهی بر مشروطیت

استدلال‌های فقهی که آخوند خراسانی بر مشروعیت مشروطیت اقامه کرده است به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول استدلال‌هایی است که ناظر بر اساس مشروطیت است و دسته دوم استدلال‌هایی است که ناظر به برخی مؤلفه‌ها عناصر و ارکان مشروطیت است، از دیدگاه وی استدلال‌هایی است که مبتنی بر برداشت خاص آخوند از مشروطه است. از این رو اثبات مشروطیت با چنین استدلال‌هایی مربوط به مشروطه ای می‌شود که در ذهن آخوند به عنوان موضوع جدید و مسئله شکل گرفته است. به همین دلیل، می‌توان با نظر برخی محققان هم نوا شد که مشروطه‌ای که شیخ فضل‌الله نوری تحریم کرد، غیر از مشروطه‌ای بود که مرحوم آخوند قبول داشت (ابوطالبی، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

۲-۱-۳) جایگاه مشروطیت در اندیشه فقهی-سیاسی آخوند خراسانی

تبیین جایگاه مشروطیت در اندیشه فقهی-سیاسی آخوند خراسانی از این رو مهم می‌نماید که پیوستگی و انجام اندیشه سازی وی را نشان می‌دهد اندیشه فقهی-سیاسی آخوند خراسانی از این رو مهم می‌نماید که پیوستگی و انسجام اندیشه سیاسی وی را نشان می‌دهد. اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، همواره دغدغه انسجام اندیشه وی را دارد. براین اساس، دیدگاه آخوند خراسانی، در مقام مجتهدی عقل گرا، ناگزیر با دیدگاه وی درباره ولایت فقیه در ارتباط است و ارتباط منطقی این دو باهم، اندیشه سیاسی او را از وصف انسجام برخوردار می‌سازد. (میر احمدی، ۱۳۹۰، ۱۱۴)

اما استدلال فقهی وی در بحث مشروطیت، در زمینه مشروعیت حکومت مشروطه فهم پذیر است. آخوند خراسانی همچون دیگر علمای مشروطه خواه با قرار دادن حکومت و حکمرانی در عرصه امور دنیوی، امکان سخن گفتن از حق جمهور مردم را فراهم می‌سازد. استدلال فقهی آخوند خراسانی در قالب یک قیاس منطقی فهم پذیر می‌گردد، با این صغرا که «مشروطه موجب رفع ظلم و حفظ بیضه اسلام و ... است» و این کبرا که «هر امری که موجب رفع ظلم و حفظ بیضه اسلام و ... گردد، واجب



است»، از کنار هم قرار گرفتن این دو مقدمه این نتیجه حاصل می‌شود که «مشروطه واجب است». (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

وجوب مشروطه در دوره غیبت به عنوان حکم شرعی، استنتاج و استنباط شده، مشروطه را به عنوان متعلق این حکم به دنبال می‌آورد. این متعلق حکم را برپایه موضوع شناسی خاص آخوند خراسانی می‌توان فهمید که به موجب آن حکومت مشروطه، حکومتی است که قدرت در آن محدود است. (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

آخوند در عین اشتغال دائم به کارهای علمی، تصنیف کتب فقهی و اصولی، تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه ای که در حال رونق روزافزون بود، رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران را نیز با دقت دنبال می‌کرد. از مهم‌ترین و برجسته‌ترین فرازهای حیات مرحوم آخوند نقش بسیار مؤثر و قاطع او در تأسیس و تحکیم مبانی مشروطیت ایران است. مرحوم آخوند بزرگ‌ترین مرجع تقلید و با نفوذترین پیشوای روحانی عالم تشیع در آن عصر شناخته می‌شد. با در نظر گرفتن شخصیت رفیع و مقام منیعش، حکم او به وجوب مشروطیت، از طریق قطعی و انکارناپذیر در تقویت موقعیت مشروطه خواهان و تأیید و تثبیت مشروطیت ایران داشت و در این راه دو تن دیگر از مراجع آن عصر نجف، مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین خلیل تهرانی و مرحوم آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی با او همراه و همگام بودند و به تبعیت از این سه مرجع عالیقدر، عالم تشیع جمع کثیری از علما و روحانیون بزرگ آن عصر ایران در این راه خطیر گام نهاده و به تأیید مشروطیت و حمایت از مشروطه خواهان برخاستند. دو عامل اساسی منشأ دخالت این سه پیشوای بزرگ عالم تشیع در جریان نهضت مشروطیت ایران، علت فتوا و حکم آنان به وجوب و لزوم آن بود. نخستین عامل مرتبط بود با شرایط زندگانی جامعه ایرانی و نحوه عملکرد حکومت استبدادی با توده مردم، عامل دوم به ماهیت انقلاب مشروطیت و سرچشمه درون مرزی و برون مرزی آن بستگی داشت، در آن روزگار مظفرالدین شاه بر ایران سلطنت می‌کرد. ظلم و تعدی حکام ولایت به حقوق مردم که از دیرباز در این مرز و بوم رواج یافته بود در عصر این پادشاه به علت ضعف مدیریت او در اداره شئون سلطنت و ناتوانی حکومت مرکزی به اوج خود رسید.



ظهور نهضت‌های آزادی خواهی در غرب که اخبار آن به وسیله ایرانیان در حال تحصیل در غرب به ایران منتقل می‌شد در تشدید تقاضای مردم درباره اصلاح امور و تغییر اوضاع در جهت رفاه حال عمومی تاثیری بسزا داشت. فریاد اعتراض مردم روزبروز رساتر و طومارهای شکایات از حکام جور روزبروز افزون‌تر می‌شد. مرحوم حاج هاشم خراسانی، روحانی برجسته حوزه مشهد گفته است که در همین اوان برای زیارت عتبات به عراق رفته بودم. در نجف به حضور مرحوم آخوند خراسانی رسیدم و ایشان از اوضاع نابسامان مردم ایران نگران و از کثرت طومارهای شکوه آمیز مردم از حکومت مستبدانه حُکام ایران در شگفت بودند. خطر انفجار و انقلاب نزدیک بود.

دیدگاه ژرف بین و آینده نگر مرحوم آخوند خراسانی و همفکران روحانی او این نکته را دیده بود و دریافته بودند که انقلابی مردمی برای استقرار عدالت، رفاه حال عمومی و اصلاح اوضاع نابسامان ایران برضد حکومت استبدادی قریب الوقوع است. ولی این انقلاب با افکاری ضد مذهب توأم است. آخوند با ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی به حفظ کیان دینت این مرز و بوم قیام و اقدام کرد. ولی معاصرانش عمق اندیشه و حقیقت و تفکرات او را در این زمینه درک نکردند و به کنه افکار تابناک سیاسی-اجتماعی او پی نبردند و از این رو جز آنان که با او همراه و همگام بودند. گروهی به سکوت فقط نظاره گر صحنه بودند و گروهی دیگر به مخالفت با او برخاستند. مرحوم آخوند با دخالت در نهضت مشروطیت ایران و حکم به وجوب آن، هم به رهایی مردم از فلاکت زندگی در زیر بار حکومت استبدادی حُکام فاسد خودکامه مدد رساند و هم به جامعه خدمتی کرده باشد. (میر احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

تنظیم و نظم بخشیدن به امور مسلمانان، تعظیم و تقویت اسلام و دولت، قطع نفوذ بیگانگان اجرای احکام شرعی از جمله امر به معروف و نهی از منکر، و دفع ظلم و استبداد از مهم‌ترین اهداف آخوند خراسانی و همفکرانش برای تأسیس مجلس بود. این اهداف نشان‌دهنده نگاه جامع آنان در توجه به امور داخلی و خارجی است. اما ذکر این اهداف به مفهوم پذیرش قانون گذاری بشری در عرصه امور و احکام شرعی نیست. قانون گذاری در حوزه امور عرفی و نوعی صورت می‌گیرد، اما هدف از این قانون گذاری اجرای احکام شرعی است. به همین دلیل، در اندیشه فقهی سیاسی آخوند خراسانی،



وجود سازوکاری کار آمد برای احراز مطابقت قانون گذاری مجلس با شریعت و احکام شرعی لازم است. برخی از علمای مشروطه خواه، قرار گرفتن فقیه عادل و جامع شرایط را در جایگاه اول مجلس، از شرایط کمال و تکمیل مجلس ذکر کرده اند (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸: ۲۵).

۲-۱-۴) اندیشه های سیاسی آخوند خراسانی برای دفاع از مشروطیت ایران

آخوند برای رفع ظلم از مظلوم خصوصاً ملت ایران و خراسان به مشروطیت روی آورد. قصد آخوند و سایر علما از تقویت نهضت مشروطیت برقراری حکومت عدل و قانون در کشور و رفع ظلم از آحاد ملت بوده تا به گفته خود آخوند رعیت از دست نرود. در این هنگام عده ای از طلاب تهران نامه ای به آخوند نوشتند که می خواهند تا دستور بدهد «آخوند» پنج نفر از علمای تهران ابدالدهر عضو مجلس باشند که آخوند از این تلگراف بسیار ناراحت شد و گفت هیچکس را نباید به دیگری مزیت باشد در غیر این صورت مایه اختلاف خواهد شد.

محمدعلی شاه بعد از فوت پدرش که به سلطنت رسیده بود در آغاز سوگند یاد کرده بود که به مشروطیت وفادار بماند وقتی که متوجه شد نمی تواند مانند پدران خود با خودکامگی حکومت کند از در مخالفت با مشروطه خواهان برآمد. قسمت شمال و جنوب ایران را به روس ها و انگلیس ها داد. در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ (برابر ۳ ژوئن ۱۹۰۸) محمد علی شاه مجلس را به کمک لیاخوف روسی به توپ بست. بعد از ساعت ها زد و خورد درباریان پیروز شدند. ملک المتکلمین و میرزا جهانگیر خان را به طرز فجیعی به دار آویختند.

آخوند برای اعاده مشروطیت در ایران که نامه های زیادی به ایشان از اقصی نقاط کشور ارسال شده بود، اندرزنامه ای برای شاه جوان ایران (محمدعلی شاه) ارسال کرد که پس از متقاعد نشدن شاه جوان بی تجربه به اصلاح امور آخوند در تلگرافی به مردم ایران چنین نوشت: به عموم ملت ایران حکم خدا را اعلام می داریم الیوم، همت بدر دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرّمات و بذل جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سر مویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان محاربه با آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه است (کرمانی، ۱۳۵۷: ۳۵۳).



مشروطه دوم با فتح تهران در اواخر جمادی الاخر سال ۱۳۲۷ هجری شروع گردید. آخوند در این برهه با سه جریان به تقابل برخاست. ۱- فرصت طلبان، ۲- غرب گرایان ۳- استعمارگران. اقدامات آخوند به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- نامه به مجلس در باره لزوم انحصار قضاوت‌های شرعی به محاضر مجتهدان (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۶۴۵).
- ۲- ابراز نگرانی شدید از نفوذ عناصر منحرف در صفوف مشروطه خواهان و تبیین دقیق مشروطه در نامه اول ذیحجه ۱۳۲۷ هجری (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۵۲)
- ۳- تلگراف برای پیگیری و مجازات عاملان انتشار مقاله اذا فسد العالم فسد العالم در روزنامه حبل المتین تهران در نیمه رجب ۱۳۲۷ هجری (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۲۸۹).
- ۴- شکایت از افتتاح قمارخانه و مالیات بستن بر منکرات و تاکید بر اجرای حدود الهی و لزوم تهذیب مطبوعات از مسائل ضد دینی (روزنامه مجلس، سال سوم، شماره ۶۳).
- ۵- حکم به فساد سیاسی سید حسن تقی زاده و لزوم اخراج او از مجلس و تبعید وی به خارج کشور در ۱۲ ربیع الثانی، ۱۳۲۸ هجری (ایرج افشار، ۱۳۵۹: ۲۰۷)
- ۶- معرفی بیست فقیه به مجلس برای تحقق اصل دوم متم قانون اساسی در سوم جمادی الاول ۱۳۲۸ هجری (عبدالحسین حائری، ۱۳۷۴: ۱۳)
- ۷- تلگراف به مجلس در نقد اهداف و برنامه‌های ضد دینی و ملی فرصت طلبان و غرب گرایان در جمادی الثانی ۱۳۲۸ هجری (روزنامه مجلس، سال سوم، شماره ۱۴۰)

۱- حیات اجتماعی آخوند

آنچه از نوشته‌های تاریخی در رابطه با کودکی آخوند به دست ما رسیده این است که در آغاز هیچ‌گونه حرکت فوق العاده و نشانه نبوغی از خودشان نشان نمی‌داده و موجبات اندوه و دل سردی پدر و مادرش را فراهم می‌کرده است. آخوند ملامحمد کاظم کوچک‌ترین فرزند ملاحسین هراتی بود و در اول کودکی پدرش از پیشرفت او مأیوس بود. او بعدها به عتبات رفت و درحوزه درس شیخ انصاری



که بزرگ‌ترین مجتهد آن عصر بود ملاشد و پس از انصاری کسی مثل آخوند متبهر و متنفذ نبود و مجلس درس هیچ مدرسیان همه طلبه نداشت.

آخوند دوره سطح را در مشهد به پایان رسانید و بعد از آن برای تکمیل تحصیلات قصد سفر به نجف کرد. او برای رسیدن به نجف در آن روزگار می‌بایست از مناطق آباد و سرسبز خراسان می‌گذشت و حاشیه شمالی کویر بزرگ ایران را می‌پیمود. و بعد از گذشتن از چند شهر و شهرک خود را به تهران می‌رسانید و از آنجا عازم عتبات عالیات می‌گردید.

همت بلند مردانه و پایداری شگفت انگیز محمد کاظم خراسانی در برابر انواع مشکلات خانوادگی، عاطفی، تنگناهای معیشتی و فقر کشنده است. که بالاخره هیچ کدام از آن‌ها نتوانسته‌است او را از مسیر تحصیل و تدریس منحرف کند. فراق و جدایی او از تنها فرزند و همسر خود، شنیدن فوت تنها فرزندش و بیماری همسرش در مشهد، مشاهده تولد فرزند دیگرش به صورت مرده و بدتر از همه این‌ها نظاره مرگ همسر و تنها مونس و مددکار زندگی‌اش در غربت گاه شهر نجف و احساس تنهایی و بی کسی مطلق و پناه به ذات مقدس احدیت و ادامه تحصیل به صورت منزوی و با فقر موخس بود.

آخوند از استعمال دخانیات تنفر داشت خوراک او ساده و مقدار آن ناچیز بود. به نان و دوغ و سبزی دلبستگی نشان می‌داد. و در شبانه روز بیش از دو وعده و در هر وعده بیش از پنج لقمه غذا نمی‌خورد. محمد باقر الفت فرزند آقا نجفی اصفهانی که مدتی در نجف به سر برده و آخوند و معاصرانش را از نزدیک دیده و سنجیده است درباره روحیات و عادات آخوند چنین می‌نویسد: "خدای او را بیامرزد که از دیگر معاصرانش بی هوی تر بود، کم می‌خوابید و بسیار اندک غذا می‌خورد. از هیاهو در اطراف شخصیت خود سخت پرهیز می‌کرد. در طول زندگانش با وجود امکان فراوان از مال دنیا چیزی نیندوخت و با کمال سادگی که داشت ظاهرش آراسته بود. با همه طلاب و شاگردانش مانند هم مرتبه خود برخورد می‌کرد.

گفته شده است که یک شب به هنگام برپایی مجلس فتوایی او یکی از طلاب نجف برای استمداد مالی در مورد ازدواج فرزندش به محضر او آمد و به او عرض حاجت کرد. آخوند دستور داد که هر



آنچه در صندوق وجوه بود در اختیار آن صاحب گذاشتند. او با چهارصد سکه طلا از حضور آخوند بیرون رفت در حالی که پیشیزی باقی نمانده بود. (دریا بیگی، ۱۳۸۶، ۵۵)

۳-۱) تاثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی بر جامعه

مرحوم آخوند انسان بسیار مذهبی بوده است، از آن جهت که در درسش ۱۵۰۰-۱۶۰۰ نفر حاضر می‌شدند آن روزی که نه بلند گو بود و نه برقی با آن صدای رسا در مسجد طوسی در نجف درس می‌داده و آن صدا به مدارس علمی اطراف هم می‌رسیده است. در تحقیق و تدقیق مرد فوق العاده ای بوده لکن صفای نفس و گذشت فوق العاده و سعه صدر ایشان در حوزه نجف ضرب المثل بوده است.

ایشان تواضع فوق العاده ای داشتند با کسانی که در زمان مشروطیت به ایشان بد می‌گفتند و به او فحش می‌دادند و نامه‌های بد می‌نوشتند و کسانی که در درس اشکال می‌کردند با کمال ادب و مهربانی برخورد می‌کردند و جواب اشکالات را می‌دادند. ایشان زمانی که در فلسفه شاگرد مرحوم ملأ هادی سبزواری بوده نهایت استفاده را از مباحث عقلی می‌کردند. در بحث اجتماع امر و نهی مسائل زیادی را ارائه می‌نماید. (مهریزی و ربانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۳-۲) شخصیت اخلاقی مرحوم آخوند

آخوند خراسانی از جمله علمایی است که در عصر مشروطه در عرصه‌های مختلف اخلاقی، علمی، سیاسی و... منشأ اثر بوده و با علم و عمل خود به دفاع از اسلام می‌پرداخت. با مطالعه زندگی آخوند و بررسی ابعاد اخلاقی آن در می‌یابیم که ایشان علاوه بر دارا بودن صفات علمی از ملکات اخلاقی برجسته ای برخوردار بودند. بدین صورت در عین تسلط بر علوم حوزوی و همچنین پروتق بودن کرسی‌های درسی ایشان در هنگام مواجهه با اشکال علمی از سوی شاگردان یا هر کس دیگر نهایت ادب و احترام را رعایت کرده و به مباحثه علمی می‌پردازد. (اردکانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۳-۳) تفرج در مسیر تحصیل و احترام به علم و اهل علم



مرحوم آخوند خراسانی نیز آخر هفته ها به اطراف کوفه می‌رفت و گفته‌اند: در ابتدای هفته که به کرسی درس می‌نشست افادات ایشان بیش از روزهای دیگر بود که به تفرج نرفته بودند. مرحوم آخوند خراسانی به دانش و دانشوران احترام بسیار قائل بود و سیره ایشان در این زمینه می‌تواند الگوی تمام عیاری برای ما باشد. (کفائی، ۱۳۹۰: ۲۱).

۴) حیات فرهنگی آخوند خراسانی

آخوند از میان برادرانش که چهار برادر بودند، تنها فرزندی بود که به راه تحصیل ادامه داد. در یازده سالگی با عزمی قاطع و اراده‌ای استوار در این راه گام نهاد. در مدرسه‌ی سلیمانیه (که هنوز از مدارس آباد و دایر حوزه‌ی مشهد به شمار می‌آید) به تحصیل علوم و معارف شیعه مشغول شد. در طی یازده سال مقدمات و سطوح را پایان برد. آنگاه که ۲۲ سال داشت، برای حضور در محضر علمی شیخ انصاری ترک یار و دیار کرد. در ماه رجب ۱۲۷۷ هجری قمری از مشهد مقدس به سوی نجف اشرف رهسپار شد.

کاروان که در سبزوار متوقف شد، آخوند برای مباحث فلسفی در آنجا در مجلس درس ملا هادی سبزواری حاضر شد. کاروان از سبزوار به راه افتاد و آخوند نیز همراه آن به تهران رفت و در مدرسه‌ی صدر در حجره‌ی شیخ عبدالرسول مازندرانی سکونت اختیار کرد. هدف آخوند از ابتدا سفر به نجف بود. اما به دلیل تمام شدن توشه‌ی راه به ناچار در تهران اقامت موقت کرد. در آن آخوند خراسانی، سه مدرسه جهت رفاه حال طلاب علوم دینی تأسیس کرد: مدرسه بزرگ آخوند، در محله حویش نجف به سال ۱۳۲۱ ق مدرسه وسطی آخوند و مدرسه کوچک آخوند، در محله براق نزدیک بازار بزرگ نجف، بنا شده در سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ ق آخوند خراسانی. صاحب تألیف فراوانی است. علاوه بر آن، وی با نشریاتی که با آن‌ها همکاری می‌کرده عبارت‌اند از:

۱. دره النجف. مجله فارسی که آقا محمد محلاتی، مدیر و صاحب امتیاز آن بود. از بنیان‌گذاران آن شیخ عبدالحسین رشتی است که از آخوند اجازه تأسیس و انتشار آن و فرزند ارشد آخوند رابطه آن بود. در این نشریه شاگردان خراسانی هم چون آقا بزرگ تهرانی، مقالات مندرج می‌ساختند
۲. نجف. نشریه‌ای هفتگی به زبان فارسی که شیخ عبدالحسین رشتی آن را اداره می‌کرد



۳. العلم. سید هبه الدین شهرستانی، از شاگردان آخوند، آن را به چاپ می‌رساند
 ۴. اخوت. هفته نامه ای که به مدیریت محمد تقی یزدی در بغداد منتشر می‌شد

۱-۴) آخوند در نجف اشرف

ابتدای ورودش به نجف در حوزه درس شیخ انصاری حضور یافت و از ربیع الاول ۱۲۷۹ تا جمادی
 الاخر سال ۱۲۸۱ که تاریخ رحلت شیخ است، به مدت دو سال و سه ماه از افادات فقهی و اصولی او
 استفاده کرد. در حالی که در همین مدت در مجلس درس اخلاق استاد بزرگ علم و عمل سید علی
 شوشتری شرکت می‌کرد مجلسی که شیخ انصاری در آن در حلقه‌ی شاگردان می‌نشست.

۲-۴) مجلس درس و زعامت علمی و تقلیدی آخوند

آخوند خراسانی در سال ۱۲۹۰ هجری قمری چون خود را از اساتید خویش بی‌نیاز دید، ترک تلمذ
 کرد و به تدریس مشغول شد. ابتکار لسان و بیان شیوایش حوزه‌ی درس او را به سرعت رونق داد.
 عظمت حوزه‌ی درس آخوند نه تنها در عالم تشیع، بلکه در سرتاسر عالم اسلام گسترش یافته بود.
 گفته‌اند در عالم اسلام بعد از امام جعفر صادق (ع) مدرسی مانند آخوند پا به عرصه‌ی وجود ننهاد
 است. (دریا بیگی، ۱۳۸۶: ۱۷).

۳-۴) مجلس فتوایی آخوند

جمعی از خواص شاگردان، اصحاب مجلس فتوایی آخوند خراسانی بوده‌اند. این مجلس که شب‌ها
 پس از درس اصول در خانه‌ی او برپا می‌شد، هدف از تشکیل این مجلس تنظیم جواب‌های مسائلی
 بوده است که مقلدینش از گوشه و کنار عالم تشیع از وی می‌پرسیده‌اند. آخوند در این مجلس رأی
 فقهی خود را با اصحاب و شاگردانش در میان می‌گذاشته است و ضمن تبادل نظر با آنان به دقیق‌ترین
 وجه به تحقیق در مبانی فقهی می‌پرداخته است. رأی نهایی اعلام می‌گردید. اعضای مجلس فتوای
 آخوند از میان مبرز شاگردان وی برگزیده می‌شد که ۱۸ نفر بودند. در اینجا به ذکر تعدادی از اسامی
 آن‌ها می‌پردازیم: شیخ ضیاء الدین عراقی، میرزا حسین نایینی، شیخ محمد باقر گلپایگانی، شیخ محمد
 تقی گلپایگانی، شیخ علی قوچانی، حاج میرزا احمد کفایی خراسانی، شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ
 مهدی مازندرانی (دریا بیگی، ۱۳۸۶: ۲۵).

۴-۴) آثار علمی آخوند

آثار علمی آخوند به ترتیب تاریخ تألیف شده، که عبارت‌اند از:

- ۱- تعلیقه اول بر رسائل شیخ انصاری: این کتاب اولین اثر آخوند بوده که در بیست و هشت سالگی تألیف کرده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در ذریعه آن را دقیق‌ترین حواشی رسائل خوانده است.
- ۲- تعلیقه دوم بر رسائل شیخ انصاری: از این رو تعلیقه اول را به حاشیه قدیم رسائل انصاری پرداخته اما تعلیقه دوم به حاشیه‌ی اخیر و مبسوط آخوند به رسائل مشتهر است.
- ۳- فوائد: این کتاب ارزنده مشتمل است بر ۱۵ فایده در مباحث مهم اصول و فقه
- ۴- تعلیقه بر مکاسب شیخ انصاری: این حواشی در سال ۱۳۱۹ در مباحث بیع و خیارات نگاشته شده است. با این همه مهم‌ترین آثار علمی آخوند به شمار می‌آید.
- ۵- کفایه اصول: این کتاب از معروف‌ترین مصنفات آخوند به شمار می‌آید. ظاهراً در سال ۱۳۲۱ هجری قمری نوشته شده است و شامل دو جلد است. جلد اول در مباحث الفاظ و جلد سه در مباحث عقلی است. کفایه آخرین کتاب درسی طلاب در علم اصول و در پایان دوره سطح است.
- ۶- رساله در وقف
- ۷- رساله در رضاع
- ۸- رساله در دما ثلاثه
- ۹- تکلمه التبصره
- ۱۰- اللمعات النیره فی شرح تکلمه التبصره: این اثر در آخرین سال حیات آخوند تصمیم به نوشتن یک دوره فقه استدلال موجز گرفت. به اسلوی که به کار تدریس بیاید تا همچنان که کفایه آخرین کتاب درسی سطوح عالی در علم اصول است. این کتاب نیز آخرین مرحله فقهی دوره سطوح عالی در علم اصول است. (کفایه، ۱۳۹۰: ۳۱).

۴-۵) نگاهی به مکتوبات و تلگرافات آخوند خراسانی

مخاطبان این نامه‌ها، طیف وسیعی از مردان سیاست و دین و مردم عادی را از صدر اعظم عثمانی تا شهید ثقه الاسلام را شامل می‌شود. در ضمن این نامه‌ها توضیحات فراوان و مفیدی می‌آورد که در ضمن آن‌ها آرای سیاسی آخوند آشکارتر می‌شود. مثلاً از نامه‌ی آخوند به محمد علی شاه، چنین



برداشت می‌کند که ایشان جز معصوم (ع) را شایسته‌ی برخورداری از قدرت مطلق نمی‌دانستند. (دریا بیگی، ۱۳۸۶)

متن اندرزنامه

مرحوم آخوند در پی سیاست‌های خویش برای خود کفایی ملی در امور اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی بسیار تلاش کرد. ایشان به شاه قاجار سفارش کردند، بر شما سزاوار است که در حفظ شریعت مطهره اسلام کوشا باشید. نهایت جهد و همت خود را بالا بردن منزلت و عظمت مملکت مبذول فرمائید. و اینکه بیگانگان را در کار مملکت مداخله دهید پرهیزید. لباس ذلت (کالای خارجی) راتن بیرون کنید. و لباس عزت (کالای داخلی) را به تن نمایید.

منسوجات و کالاهای وطنی را ترویج کنید زیرا هر آینه شخصی شما از مصنوعات و فرآورده‌های مملکتی استفاده برید، این امر باعث می‌گردد رجال مملکت و قاطبه افراد ملت از شما متابعت نماید. چنین علمی موجب می‌شود از بند احتیاج به منسوجات و مصنوعات خارجی آزاد گردد.

اما محمد علی شاه به هیچ یک از اندرزهای آخوند عمل نکرد و در این هنگام آخوند تصمیم گرفت که با تعدادی به سوی ایران حمله کند تا بتواند کشور را از دست شاه غاصب و بیگانگان (روس و انگلیس) بیرون کنند که از شهرهای عراق می‌گذشت و در هر شهری تعدادی به یاران آخوند اضافه می‌شدند. وقتی به کاظمین رسید در حسینیه کوچکی سکنی گزیدند و تعدادی از عشایر منطقه با اسلحه به آن‌ها ملحق شدند که تا محمودیه رفتند. این قوت و شوکت اسلامی که اوج گرفته بود یکدفعه خاموش شد. آخوند در سر موعود نیامد و نخواهد آمد. وقتی قوچانی به کربلا رفت پرسید چرا اینگونه شده است؟ گفتند تلگراف از تهران آمده که روس‌ها از یاران می‌روند و این شد که آخوند با تصمیم شیخ عبدالله مازندرانی از حرکت بازماند، گفتند رفتن ما مثل این است که سگ دیوانه و هاری به راه خود می‌رود ما از عقب سنگ به سمت او پرتاب کنیم. اما محمدعلی شاه از ترس ورود مجاهدین به تهران به سفارت روسیه پناه می‌برد و بعد از مداخله سفارت انگلیس و روس و مذاکراتی که به عمل می‌آید. محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کنند و فرزند ۱۲ ساله‌اش احمد میرزا را به جای او بنشانند. یکبار دیگر آخوند تصمیم گرفت به داد ملت خود برسد اما اجل مهلتش نداد. (آدمیت،



۱۳۵۱: ۱۰۷) ولی آدمیت اشاره ندارد علت آن چه بود. در حالی که آخوند پس از التیماتوم روس در اواخر ۱۳۲۹ هجری برای مبارزه با استعمار گران روس با عده زیادی از هواداران در راه سفر به ایران بود که ناگهان در بیستم ذی حجه به صورت ناگهانی از دنیا رحلت کرد. نظر غالب اطبا بر این بود که وی را مسموم کرده‌اند (آقا نجفی قوچانی، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

۵) تحصیل خودکفایی ملی در اقتصاد

مرحوم آخوند در برنامه اصلاحی خویش در تحصیل خودکفایی ملی در امور اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی در سال ۱۳۱۵ ه.ق به دعوت تنی چند تن از علمای ایران همراه با گروهی دیگر از مراجع تقلید فتوایی در تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالای داخلی و به منظور رفع نیاز کشور به بیگانگان صادر نمود و در تأیید شرکت اسلامی که با حمایت از صنایع داخلی و بی نیازی از بیگانگان در اصفهان تأسیس شده بود. علاوه بر خرید منسوجات آن در تقریظ خود بر کتاب لباس التقوا، تألیف سیدجمال الدین اصفهانی نوشت: بر مسلمانان لازم است که لباس ذلت (تولیدات خارج) را از تن بیرون کنند و لباس عزت را بپوشند، همچنین در نامه ای به مظفرالدین شاه او را به حمایت از این شرکت تحریض نمود.

ایشان در سال ۱۳۲۳ ه.ق با اخذ وام توسط مظفرالدین شاه از روسیه تزاری و تلاش‌هایش در روشن ساختن اذهان مردم نسبت به پیامدهای این گونه اقدامات با درخواست اخراج رئیس گمرک ایران نوز بلژیکی برای خلافت‌کاری‌هایش و ارسال نامه به سید عبدالله بهبهانی برای آگاه ساختن اولیای دولت از عملکردهای نامطلوب کارگزاران اشاره کرد. (آملی، بی تا: ۸۷).

نتیجه گیری

با بررسی تفصیلی وقایع مشروطه و نقش شخصیت‌های تاثیرگذار در ایجاد و پیشبرد آن این نکته به خوبی مشخص می‌شود که روحانیت و علمای شیعه نقش بسیار پراثر و کارنامه ای درخشان در این نهضت داشتند. روحانیون اگرچه در مواردی با هم مذاق سیاسی واحد نداشتند ولی به طور کلی هر جا که پای دیانت و ملیت و وطن و استقلال سیاسی و قطع دست استعمار گران در کار بود هیچ



کس به اندازه این‌ها جسارت به خرج نمی‌دادند و در مقابل ظالمان و مستکبران قد علم نمی‌کردند. آخوند خراسانی که مقام استادی بر چند نسل علمی از روحانیت شیعه در حوزه نجف را دارا توانست شاگردانی تربیت کند که علاوه بر عصر خویش در عهد مشروطه و در دوران‌های بعد تأثیر بسزایی بگذارند. آخوند در یک برنامه مدنیت شیعی موفق شد شاگردان زیادی تربیت کند و آثار علمی وی و شاگردانش نقش مهمی در میراث علمی شیعه داشت. برنامه‌های اصلاحی وی شامل دیدگاه‌هایی در باره استقلال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بود.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۷۴). مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، تهران: نشر نی.
- ابو طالبی، مهدی، (۱۳۸۳). از مطلق مشروطه تا مشروطه مطلق، شماره ۵، ص ۲۶۰
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت و قانون، تهران: نشر خوارزمی.
- آل سید غفور، سید محسن (۱۳۸۴). جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم: انتشارات بوستان کتاب قم.
- افشار، ایرج (۱۳۵۹). اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی زاده، تهران: انتشارات جاویدان.
- آملی، محمد تقی (بی‌تا). المکاسب و البیع، تقریر میرزای نائینی، ج ۲، قم: موسسه نشر اسلامی.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۷۴). اسناد روحانیت و مجلس، تهران: نشر کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۶ ق). حاشیه بر مکاسب، به کوشش مهدی شمس الدین، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷). رسائل مشروطیت، مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، ج ۲، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- دریابیگی، محسن (۱۳۸۶). حیات سیاسی فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.



شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱). خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران، چ ۲، زنجان: اداره کل فرهنگ و ارشاد.

کاشانی، شریف (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ.

قوچانی، آقا نجفی (۱۳۷۸). برگی از تاریخ معاصر، تهران: نشر صفت.

کسروی، احمد (۱۳۳۰). تاریخ مشروطه ایران، تهران: نشر امیر کبیر.

کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کفایی، آیت الله میرزا عبدالرضا (۱۳۹۰). سیری در سیره علمی آخوند خراسان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کفایی، عبدالحسین (۱۳۵۸). مرگی در نور، بی جا: شرکت چاپ افست گلشن.

نجفی قوچانی، سید محمد حسن (۱۳۷۸). حیات الاسلام فی احوال آیه الملك العلام، به تصحیح ر.ع. شاکری، تهران: نشر صفت.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، تهران: انتشارات علمی.

مهریزی و ربانی (۱۳۹۰). شناخت نامه آخوند خراسانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.

میراحمدی، منصور، (۱۳۹۰). اندیشه‌های سیاسی آخوند خراسانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی